

عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به هویت قومی در میان دانشجویان

فیروز راد^۱

رشید هاشمی^۲

چکیده

هویت یکی از مفاهیم اساسی در علوم انسانی و بویژه علوم اجتماعی است که تحولات آن بعد از مدرنیته حوزه های مختلف زندگی فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع می توان آن را یکی از چالش های اساسی دنیای مدرن دانست که هزینه های جدی و گاه ویرانگری بر حیات اجتماعی انسان در بیش از دو بیست سال اخیر وارد کرده است. نگاهی اجمالی به نظریه های راجع به هویت بطور عام و هویت قومی بطور خاص در این تحقیق امکان قرار گرفتن در فضایی که ابعاد این پدیده را روشنتر نماید بوجود می آورد، تنویر این تصویر در بخش نظری این پژوهش صورت گرفته، و در بخش کمی ارتباط برخی عوامل اجتماعی چون جنسیت، تأهل، رشته تحصیلی، میزان دینداری، میزان احساس تبعیض، میزان انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی، سطح عضویت در شبکه های اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان گرایش به هویت قومی مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه از نوع پیمایشی بوده که بر روی حجم نمونه ۳۵۶ نفری در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد انجام پذیرفته است.

نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین میزان گرایش به هویت قومی و متغیرهای انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی، دینداری، عضویت در شبکه های اجتماعی، احساس تبعیض و جنسیت رابطه معنی دار وجود دارد و بین متغیر ملاک و متغیرهای وضعیت تأهل، رشته تحصیلی و میزان استفاده از رسانه های جمعی چنین ارتباطی مشاهده نمی شود.

واژگان کلیدی: هویت قومی - عوامل اجتماعی - دینداری - احساس تبعیض - انسجام اجتماعی.

^۱ - استاد یار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور - صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران

^۲ - کارشناس ارشد رشته جامعه شناسی

بیان مسأله

پایه پای تغییرات صورت گرفته در همه زمینه های مادی و معنوی زندگی بشر از آغاز تا امروز و به ویژه از رنسانس به بعد، هویت و هویت قومی به عنوان یکی از اشکال هویت جمعی در حوزه های فردی و جمعی، دگرگونی های ژرفی را تجربه کرده است. هویت قومی نیز بعنوان یکی از اشکال هویت جمعی تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفت.

هویت قومی از نوع هویت اجتماعی بوده و مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می شود و آن را نسبت به دیگر گروهها متمایز می سازد. در این نوع هویت روابط عاطفی اعضا بیشتر بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه کلی بر آن حاکم است. (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸)

هویت گروههای قومی در دوران مدرن، از همان ابتدا به شیوه ای سیستماتیک تحت فشار و کنترل قرار گرفت، اقلیت ها و گروههای قومی، تحت سلطه و در موضعی دفاعی نسبت به داشته های فرهنگی، رفتار جمعی و هویت اجتماعی خود قرار گرفتند.

این امر زمانی اهمیت می یابد که دریابیم با وجود حدود شش هزار زبان رایج در دنیا، تنها حدود دویست کشور وجود دارد، به این ترتیب اکثریت بسیاری زیادی از آنها در جغرافیای مشترکی با سایرین قرار دارند. امروزه نود درصد از کشورهای جهان یعنی حدود یکصد و هشتاد کشور از لحاظ قومی ناهمگون و نیمی از این تعداد به شدت درگیر شکافهای قومی هستند.

به نظر می رسد که جهانی بودن مشکل اقلیت ها و گروههای قومی یکی از عوامل اصلی در عدم توجه جدی به حقوق و مطالبات آنها در سطح جهان بوده است. چرا که درگیر بودن حتی کشورهای مرکز با این پدیده، هرگونه اراده ای را برای یافتن راه حل های مناسب و متناسب با هر جامعه با دشواری و محدودیت مواجه کرده است.

ایران نیز در شمار کشورهایی است که از نظر قومی متکثر است و این اقوام در طول حیات مشترک طولانی خود همپوشانی های فرهنگی کم و بیش قابل توجهی پیدا کرده اند ولی تحت فشار قرار گرفتن حیات فرهنگی اقوام در طول سده گذشته، شکل گیری هویت مقاومت را بدنبال داشته است.

هویت مقاومت براساس تقابل با ساختارهای سلطه ایجاد می شود و مبنایی است برای مقاومت در برابر ارزش های گروههای حاکم. این نوع هویت ها توسط افراد و گروههایی ایجاد می شوند که موقعیت یا ارزش های آنها توسط منطق حاکم، بی ارزش

شمرده شده و یا حاشیه ای می شوند و موجد تحرکات و جنبش های معطوف به تخریب ساختار موجود هستند (احمدی،

۱۳۸۳: ۲۶۳)

کردهای ایران به عنوان یکی از اقوام این سرزمین همواره سطحی از شکاف قومی را بازتاب داده و میزان گرایش به هویت قومی در بین آنها در شرایط اجتماعی مختلف فراز و فرود های چندی را طی کرده است.

شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با این پدیده و واکاوی این روابط در صورتی که با ابزار مناسب علمی و در فضای قابل اعتماد صورت گیرد، وضعیت گرایش به هویت قومی در منطقه را روشن تر می سازد. انتخاب دانشجویان بومی که قشری جوان و در حال تحصیل هستند، بعنوان جامعه آماری، در این راستا صورت می گیرد.

با عنایت به مطالب بالا در این تحقیق ما برآنیم بدانیم اولاً میزان گرایش دانشجویان به هویت قومی چقدر است؟ ثانیاً کدام عوامل اجتماعی با این گرایش در ارتباطند؟

چار چوب نظری

هویت دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. به این ترتیب به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می یابد و مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می سازد از یک طرف شباهت و از طرف دیگر، تفاوت (جنگیز، ۱۳۸۱: ۵).

جان هویت، هویت را دارای چهار رکن اساسی می داند:

۱. تداوم یا پیوستگی

۲. تمامیت یا یکپارچگی (یک جور احساس کامل بودن)

۳. هم هویتی یا اتحاد (یک جور احساس مشابه دیگران بودن)

۴. متفاوت و متمایز بودن (احساس وجود مرزهایی میان خود و دیگران).

بنابراین شباهت و تفاوت از اصول بنیادی هویت به شمار می آیند، ضمن اینکه هویت را چون فرایندی که در حال شدن است می توان درک کرد.

مدرنیته اگرچه فضای گسترده ای برای تخریب صورت های پیشا مدرنی و بر ساختن صورت های جدید و فرد محور در اختیار فرد قرار می دهد، مع ذلک با جامعه پذیری و کنترل های اجتماعی، این انتخاب را با محدودیت های چندی مواجه می سازد بطور کلی در این دوره تکوین هویت افراد را می توان حاصل تاثیر و تاثر دیالکتیکی میان اختیار فردی و تحمیل های اجتماعی دانست.

مدرنیته گذشته از خلق اوضاع و شرایطی که بالقوه فردیت و آزادی انسان را شکوفا کرده اند، در همان حال بانی و حامی نوعی ایدئولوژی آزادی فردی بوده که نه باعقاید ذاتی انگارانه خودش درباره هویت سازگاری دارد و نه با نظریه های ساخت باورانه ای که خود راجع به تعلیم و تعلم و کنترل اجتماعی مطرح ساخته است. بنابر استنباط مدرن، هویت در مواجهه خویشی دارای آگاهی و تفکر انعکاسی، که پیوسته برای فعالیت بخشیدن به قوای خویش می کوشد، با محدودیت های ناشی از زیست شناسی، جامعه و تاریخ، شکل می گیرد (جی دان، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

در حالیکه خویشی فرد و هویت در دوره پست مدرنیته، خودی است سیال که بارزترین ویژگی اش چند پارگی، ناپیوستگی و فرو ریختن مرزهای جدا کننده جهان های درون و برون می باشد. این گرایش نظری به جانب چند پارگی و گسیختگی، پیوند خورده با چشم انداز پهناور و دمامد دگرگون شونده مصرف گرائی سرمایه داری و ابزارهای به تدریج در حال تطور دلالت که به اتفاق، فرهنگ توده ها و جامعه اطلاعاتی را شکل می دهند. برطبق این نظریه ها، قالب های فرهنگی قائم به مظاهر فن آوری، دو پیامد اجتماعی به دنبال دارند: ابتدا مختل شدن یا از بین رفتن مناسبات اجتماعی و متعاقباً خود آدمی و سپس زوال مرکزیت هویت های اجتماعی و پیدایش خود ناپایدار، شکننده و سیال که به توسط فرایندهای بازنمایی رسانه ها و دیگر فن آوری ها پاره پاره شده است (همان: ۱۴۳).

مانوئل کاستلز هویت را فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر دیگر منابع برتری دارند، می داند. هرچند ممکن است هویت ها از نهادهای مسلط جامعه ناشی شوند، ولی حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت قلمداد خواهند شد که کنشگران اجتماعی آن را درونی کرده، معنای آن را حول این درونی سازی آفرینش کنند (کاستلز، ۲۱: ۱۳۸۰).

کاستلز بین سه نوع برساختن هویت تمایز قایل می شود:

۱. هویت مشروعیت بخش

۲. هویت مقاومت

۳. هویت برنامه دار.

وی سپس اظهار می دارد که هویت مشروعیت بخش توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می شود تا سلطه آنها را کنشگران اجتماعی گسترش دهند و عقلانی کنند. به نظر کاستلز پیامد وابستگی به چنین هویتی ایجاد جامعه مدنی است.

ایشان معتقد است که هویت مقاومت به دست کنشگرانی ایجاد می شود که در اوضاع و احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی ارزش دانسته می شود یا داع ننگ بر آنها زده می شود. از این رو مبنای این هویت سنگرهای برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه شناخته می شود.

به نظر کاستلز پیامد هویت مقاومت ایجاد اجتماعات و جماعت هاست، ایشان این نوع هویت را بهترین شکل هویت سازی جامعه معاصر می داند. وی اشکال این نوع هویت راملی گرائی مبتنی بر قومیت و بنیادگرایی می داند. سومین نوع هویت که کاستلز از آن سخن می گوید هنگامی مطرح می شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد مصالح فرهنگی قابل دسترسی هویت جدیدی می سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی اند در این جا ساختن هویت پروژه ای برای یک زندگی متفاوت است.

مطابق این نظر، تحت فشار قرار گرفتن هویت قومی بعنوان یکی از اشکال هویت جمعی می تواند پیدایش هویت مقاومت را بدنبال داشته باشد.

فردریک پارت هويت قومی را واجد سه ویژگی اساسی می داند: اول آنکه، هويت قومی طبقه بندی‌هایی هستند که خود مردم انجام می دهند یعنی انتساب هويت قومی به دیگران و به خود توسط کسانی که در هر موقعیت خاص اجتماعی قرار می گیرند و به این ترتیب در سازمان تعامل اجتماعی مشارکت می ورزند. دوم آنکه صورت بندی‌های اجتماعی وابسته به آنچه که مردم انجام می دهند است. به عبارتی گروه‌ها و هويت‌ها توسط مردم و در طی تعاملات اجتماعی او به وجود می آید. سوم اینکه به جای اینکه به محتوای قومیت نظر داشته باشد به فرایند حفظ و بقای گروه قومی و عضوگیری آن علاقمند است (جنکیز، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

آنتونی دی اسمیت از بنیانگذاران دیدگاه نمادپردازی قومی در تعریف قوم می گوید: جامعه قومی گروهی اجتماعی است که اعضای آن احساس اشتراک در اصل و ریشه ادعای تاریخ و سرنوشتی متمایز و مشترک و یک یا چند ویژگی متمایز کننده دارند و احساس بیگانگی جمعی و همبستگی می کنند. هر قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک عناصر فرهنگ، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت. آنتونی اسمیت بعد از تعریف از قوم به تبیین عناصر هويت قومی می پردازد، از نظر وی هويت قومی ترکیبی از مؤلفه های مختلف به شرح زیر است.

اولی، جمعیت انسانی مشخصی با یک نام متمایز از دیگران که این نام باعث تمایز یک هويت فرهنگی از دیگران است. دومین مؤلفه، اعتقاد اعضای گروه قومی به داشتن اجداد مشترک و نیاکان افسانه ای است، قومیت در باره خون و یا ژن ها نیست، بلکه افسانه ها و عقاید نژاد مشترک را شامل می شود. مورد سوم اهمیت تاریخی است. خاطرات قومی، منابع التزام اخلاقی اعضا هستند. تاریخ گذشته ای که در آن حوادث و وقایع معین و مشخص به خاطر سپرده شده و بقیه به فراموشی سپرده می شوند این نوع تاریخ برای درک مقصدی مشترک در جوامع قومی، یک منبع قومی خواهد بود. ویژگی چهارم، فرهنگ مشترک است. اجزای فرهنگ شامل، لباس، غذا، موسیقی، حرفه ها، معماری همچنین مقررات، آداب و رسوم و نهادها می باشد. بارزترین اجزای فرهنگ مشترک زبان و مذهب است. ویژگی پنجم پیوند با یک سرزمین مشخص و معین است. آنچه که برای

قومیت از اهمیت حیاتی برخوردار است، حس وابستگی به یک سرزمین حتی از مسافت دور است. و بلاخره این همبستگی و

وحدت منافع است که هویت قومی یک گروه قومی را انسجام می بخشد (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶)

تحت فشار قرار گرفتن و کتمان هر یک از ابعاد هویت قومی از جانب گروهها ای معیارعکس العمل متفاوت گروههای قومی

تحت سلطه را بدنبال داشته است. هر چند که در مراحل اولیه مدرنیزاسیون باور بر این بود که قومیت در حکم مجموعه ای

مرکب از وفاداری، متعلق به مراحل اولیه توسعه، جای خود را به عقلانیت اقتصادی می دهد.

در این راستا طیف وسیعی از نظریه پردازان و جامعه شناسان توسعه و نوسازی در تجزیه و تحلیل ها و مقایسه های خود از

جامعه سنتی و جامعه صنعتی بر این ادعا پا می فشردند که تفاوت ها و اختلافات در روند مدرنیزاسیون به تدریج رنگ خواهد

باخت. در پارادایم نوسازی اعتقاد بر این بود که موضوعات قومی، موضوعات متعلق به خاص گرایی یا ماقبل مدرن است که

فرایند نوسازی در حال کنارگذاشتن آنهاست. (مقصودی، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۴).

به عبارتی در سرآغاز دوران مدرن به ویژه این اعتقاد وجود داشت که در دوران گذر از جامعه سنتی و غیر صنعتی به جامعه

صنعتی و دموکراتیک هویت گروههای قومی به تدریج به نفع هویت ملی، تضعیف و نهایتاً از بین خواهد رفت.

بنابراین به دنبال شکل گیری دولت های مدرن با چهارچوب سرزمینی مشخص و ضرورت اعمال قدرت و حاکمیت بر

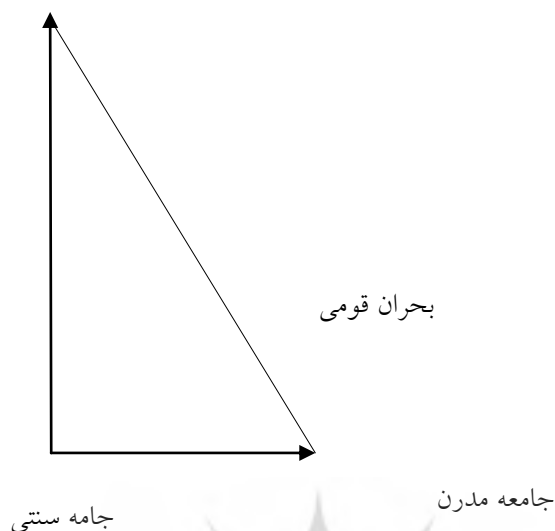
تمامیت سرزمین و از میان برداشتن زمینه های ممکن هرگونه عامل تهدید کننده همگرایی ملی و انسجام اجتماعی، اکثر دولت

ها با تلقی تهدید کننده تنوع قومی به صورت آگاهانه و کارگزارانه سعی بر این داشته اند که با محوریت بخشیدن به قومیت،

فرهنگ و زبان یک قوم، به همسان سازی تفاوت های قومی - فرهنگی مطابق با الزامات سیاسی، اداری و امنیتی خود بپردازند.

تا جایی که پروژه ملت سازی برپایه همسان سازی، خود به شکل گیری ملی گرایی قومی و قوم گرایی انجامیده است (تقی

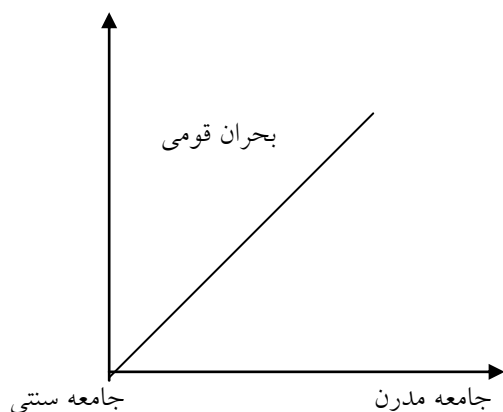
لو، ۱۳۸۶: ۱۹).



این نمودار بازتاب اندیشه تعدادی از نظریه پردازانی است که معتقدند با حرکت از جامعه سنتی به سمت جامعه مدرن بحران منازعات قومی به نفع حاکمیت و استیلای یک گروه و قومی خاص کاهش خواهد یافت.

اما تعدادی دیگر از نظریه پردازان بر این باور بودند که بحران قومی با توسعه مدرنیته شکل تنش آمیز و مسئله بودن خود را همچنان حفظ کرده است و چه بسا با رشد و گسترش حمل و نقل، ارتباطات و بدنبال آن رشد آگاهیهای حقوق قومی، هویت و گرایش به هویت های زیرملی و قومی را در گذر از جامعه سنتی به مدرن بیش از پیش مسئله کرده است.

بسیاری از نظریه پردازان جدید بر این باورند که نوسازی نه تنها باعث کم رنگ تر شدن قومیت نشده است، بلکه باعث افزایش منازعات قومی و گسترش این هویت گردیده است (مقصودی، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۲۰)



این نمودار بازتاب دیدگاه چنین کسانی است.

تدرابرت گر با ارائه نظریه محرومیت نسبی درصد تبیین این امر است که نابرابری و شکاف عمیق میان اقلیت و اکثریت باعث ایجاد و افزایش فشار میان میان گروهها می شود و منازعات قومی حول میزان سهم این گروهها از منابع ملی شکل می گیرد.

گر معتقد است که حتی عکس العمل و نوع واکنش اقلیت ها به مقدار زیادی تحت تاثیر میزان محرومیت درک شده از طرف گروههاست. وی به ارتباطی قوی بین سیاست دولت، محرومیت قومی و سطوح منازعات قومی معتقد است و حکومت های دموکراتیک را که اصلاحاتی درخصوص روابط قوی ارائه داده اند در کنترل اعتراضات و خشونت های قومی موفق می داند. وی از یک طبقه بندی سه وجهی شامل ارزش های رفاهی، ارزش های مربوط به قدرت و ارزش های بین الاشخاص که می توان آنها را تحت عناوین اقتصاد، سیاست و فرهنگ نام برد استفاده می کند و معتقد است که محرومیت در آنها میزان گرایش به هویت قومی را تحریک و شکاف قومی را شدت می بخشد.

از طرف دیگر هومنز معتقد است که اگر عدالت توزیعی (تناسب بین هزینه و پاداش) رعایت گردد، وفاق و همدلی بوجود می آید. در غیر این صورت فرد احساس محرومیت و تبعیض کرده و به هنجارهای اجتماعی توجهی نمی کند، ارزش ها و الگوهای جمعی را نپذیرفته، شخصیت خاص گرایان پیدا می کند. به عبارتی اگر شخصی بر خلاف انتظارش پاداشی را بدست نیاورد و یا با تنبیهی که انتظارش را ندارد، روبرو شود خشمگین شده و احتمالاً رفتارهای پرخاشگرانه ای را از خود نشان خواهد داد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۵۵). به این ترتیب هومنز بر این نکته تأکید دارد که ایجاد تبعیض و نابرابری اجتماعی شکاف بین تبعیض کننده و تبعیض شونده را افزایش و پرداخت هزینه های احتمالی بیشتری را متوجه جامعه مورد نظر می کند. این امر در نظریات دارندرف و وضوح بیشتری دارد. دارندرف عامل اساسی تضاد های اجتماعی را در توزیع غیر عادلانه وسایل و ابزار تولید و مالکیت آنها، آنگونه که مارکس به آن معتقد است نمی داند. وی علت اساسی تضاد را در توزیع نابرابر اقتدار تعریف می کند، بنابراین همیشه در جوامع، اشخاص و گروههایی وجود دارند که تحت انقیاد و تسلط این اقتدار فرار دارند. به این ترتیب جامعه به دو گروه صاحب اقتدار و مسلط از یک طرف و تحت سلطه تقسیم می شود. این امر موجب تضاد منافع بین گروه ذینفع یا مقتدر که تلاش میکند وضع موجود را حفظ کند و گروه تحت ستم که سعی در برهم زدن این شرایط و واژگونی آن دارد، می شود. این تبعیض ضمن اینکه شکاف بین این گروهها را افزایش میدهد، انسجام اجتماعی و همبستگی

درون گروهی در دو جامعه مورد بحث را افزایش می‌دهد. به نظر دارندرف شدت تضاد و شکاف بین این گروهها در موارد زیر کاهش می‌یابد: امکان ارتقای گروههای تحت انقیاد به گروههای ذینفع، امکان دستیابی به ثروت، اعتبار و فرهنگ به طور مناسب، برای همه و بدون تبعیض و اینکه ساخت طبقاتی جامعه در ارتباط با امکان تحرک اجتماعی بقدر کافی باز باشد. در غیر این صورت شدت تضادها امکان فروپاشی و دگرگونی ساخت را به دنبال خواهد داشت.

اهداف تحقیق

- اهداف اصلی

۱. تعیین میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۲. تعیین عوامل مرتبط با میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

- اهداف اختصاصی

۱. تعیین رابطه میزان دینداری و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۲. تعیین رابطه میزان انسجام اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۳. تعیین تفاوت میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، برحسب پایگاه اجتماعی آنان.

۴. تعیین رابطه سطح عضویت در شبکه های اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۵. تعیین رابطه میزان استفاده از رسانه های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

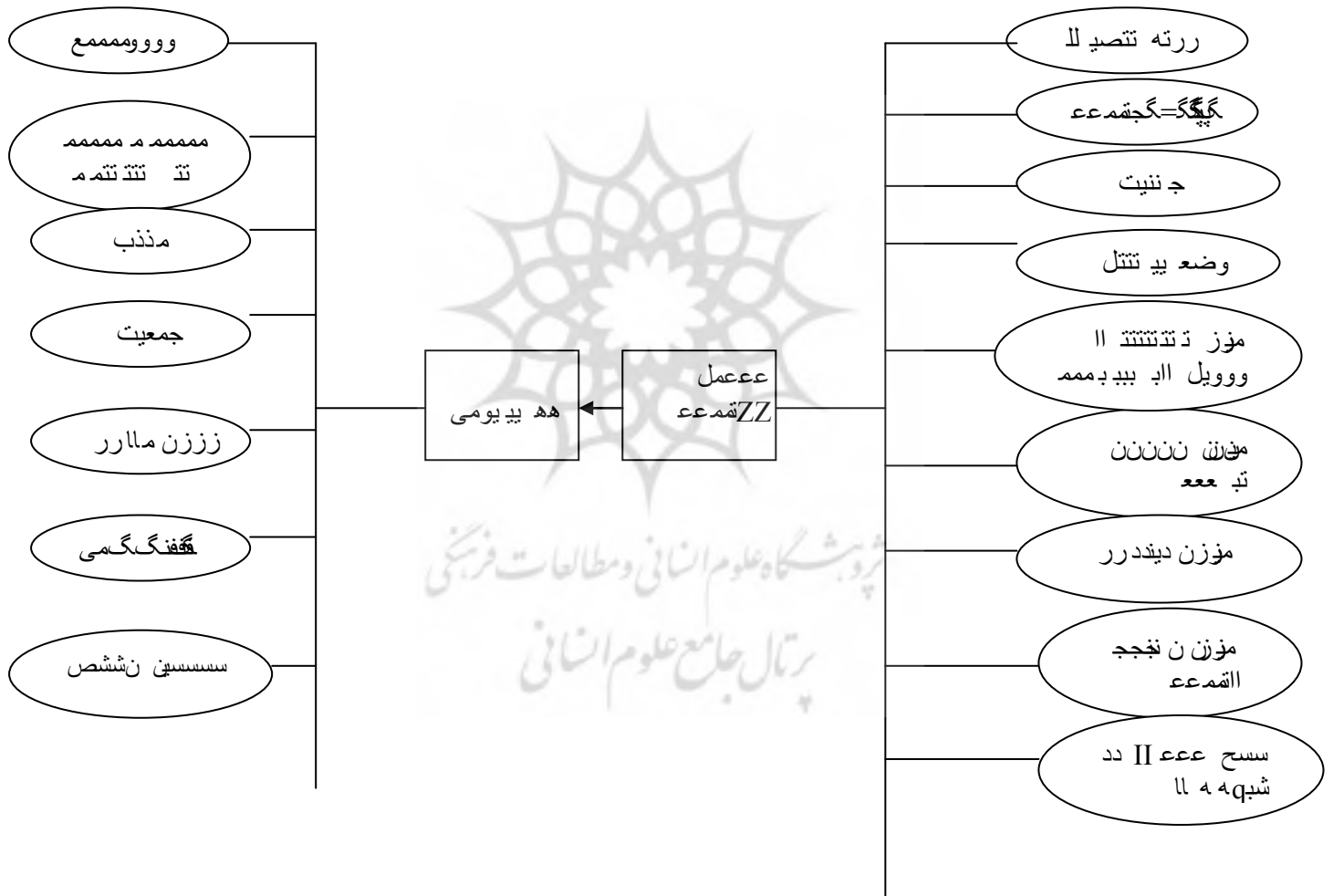
۶. تعیین رابطه میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۷. تعیین تفاوت میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، بر حسب جنسیت آنها.

۸. تعیین تفاوت میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، بر حسب وضعیت تأهل آنها.

۹. تعیین تفاوت میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، بر حسب نوع رشته تحصیلی دانشجویان.

مدل تحلیلی



فرضیه های تحقیق

- ۱- بین میزان دینداری و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان انسجام اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد رابطه وجود دارد.
- ۳- میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد بر حسب پایگاه اجتماعی آنها متفاوت است.
- ۴- بین سطح عضویت در شبکه‌های اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد رابطه وجود دارد.
- ۷- میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد بر حسب جنسیت آنان متفاوت است.
- ۸- میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد بر حسب وضعیت تأهل آنها متفاوت است.
- ۹- میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد بر حسب رشته تحصیلی آنان متفاوت است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بصورت پیمایشی بوده و از طریق پرسش نامه خود اجرایی انجام شده است، واحد تحلیل فرد (دانشجو)، سطح تحلیل آن خرد و جزو تحقیقات کاربردی است.

در این پژوهش، دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول تحصیل هستند، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند که بر اساس آمار ارائه شده توسط واحد اداری این دانشگاه تعداد آنها ۴۹۷۲ نفر می باشد. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۶ نفر تعیین شده است.

روش نمونه گیری، تصادفی طبقه ای متناسب با حجم می باشد که جامعه مورد نظر را براساس زیرگروه رشته تحصیلی به چند طبقه تقسیم و سپس با در نظر گرفتن تناسب جنسی، طبقات نمونه را به صورت تصادفی انتخاب کردیم.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی، آزمون کولموگروف اسمیرنوف و آماره های استنباطی استفاده شده است، به این ترتیب که برای فرضیه های اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم، با توجه به اینکه هر دو متغیر در سطح فاصله ای قرار

دارند از ضریب همبستگی پیرسون، برای فرضیه هفتم و هشتم به دلیل مقایسه میانگین دو گروه از آزمون Ttest و برای فرضیه سوم و نهم از تحلیل واریانس استفاده شده است.

اعتبار و پایایی

برای اعتبار صوری پرسش نامه ها پس از تدوین و طراحی سوالات از راهنمایی ها و نظرات اساتید و صاحب نظران استفاده شد. پایایی پرسش نامه ها با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین گردید. مقادیر ضریب آلفای بدست آمده مطابق جدول زیر پایایی گویند. آنها را تأیید می کند.

یافته های توصیفی

جدول (۱): پراکنندگی میزان متغیرهای ملاک و پیش بین

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
میزان گرایش به هویت قومی	۳۵۶	۶۰.۱۵	۹.۹۳	۰.۳۵۸	۲۰.۸۳	۸۵.۴۴
میزان احساس تبعیض	۳۵۶	۴۰.۴۹	۱۴.۷۲	-۰.۴۳۳	۰	۷۹.۱۷
میزان انسجام اجتماعی	۳۵۶	۶۰.۸۸	۱۴.۸۷	-۰.۰۴۴	۱۱.۷۶	۱۰۰
میزان دینداری	۳۵۶	۷۴.۳۹	۱۹.۵۴	-۱.۰۴۸	۱۱.۲۵	۱۰۰
میزان استفاده از رسانه های جمعی	۳۵۶	۱۳.۸	۳.۵۸	۰.۵۵۳	۷	۲۶

آزمون اسمیرنوف کولموگروف برای تعیین و مقایسه توزیع نمرات مؤلفه ها با توزیع نرمال

بر اساس اطلاعات جدول (۲) و مطابق آزمون اسمیرنوف کولموگروف انجام شده، ملاحظه می گردد که سطح معنی داری آزمون برای میزان دینداری برابر $p=0/669$ ، سطح عضویت در شبکه های اجتماعی برابر $p=0/228$ ، میزان احساس تبعیض برابر $p=0/121$ ، میزان استفاده از رسانه های جمعی برابر $p=0/761$ ، میزان گرایش به هویت قومی برابر $p=0/462$ و میزان انسجام اجتماعی $p=0/092$ بدست آمده است و چون سطح معنی داری همه مؤلفه ها بالاتر از $0/05$ است، پس نتیجه می گیریم توزیع نمرات مؤلفه های مرتبط با گرایش به هویت قومی نرمال است و می توان از آزمون های پارامتری استفاده کرد.

جدول (۲): آزمون اسمیرنف کولموگروف برای تعیین و مقایسه توزیع نمرات مؤلفه ها با توزیع نرمال

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون اسمیرنف کولموگروف	سطح معنی داری
دینداری	۳۵۶	۱/۴۵	۷۴/۱۷	۰/۷۲۵	۰/۶۶۹
عضویت در شبکه های اجتماعی	۳۵۶	۳/۴۵	۵۰/۹۷	۱/۰۴۲	۰/۲۲۸
احساس تبعیض	۳۵۶	۳/۵۱	۴۱/۸۶	۱/۱۸۴	۰/۱۲۱
استفاده از رسانه های جمعی	۳۵۶	۰/۱۸	۱۳/۹۲	۰/۶۷۰	۰/۷۶۱
گرایش به هویت قومی	۳۵۶	۶۰/۱۵	۹/۹۳	۰/۸۵۲	۰/۴۶۲
انسجام اجتماعی	۳۵۶	۶۰/۸۸	۱۴/۸۷	۱/۲۴۰	۰/۰۹۲

یافته های استنباطی (آزمون فرضیه ها)

۱- همبستگی بین میزان دینداری و گرایش به هویت قومی

بین میزان دینداری دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد و میزان گرایش آنان به هویت قومی رابطه وجود دارد. از آنجا که دینداری و گرایش به هویت قومی هر دو در مقیاس فاصله ای سنجیده شده اند، بنابراین از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. براساس اطلاعات جدول (۳) ملاحظه می شود که همبستگی بین میزان دینداری و میزان گرایش به هویت قومی برابر با $r = 0/112$ و با سطح معنی داری $p = 0/034$ بدست آمده است که چون سطح معنی داری از $0/05$ کمتر است، می توان ادعا کرد که رابطه بین این دو متغیر معنی دار است. و نیز رابطه بین آنها مستقیم است. بنابراین فرض تحقیق قبول می شود.

جدول (۳): همبستگی بین میزان دینداری و گرایش به هویت قومی

متغیر	گرایش به هویت قومی
دینداری	$r = 0/112$ $p = 0/034$ $n = 356$

۲- همبستگی بین میزان انسجام اجتماعی و گرایش به هویت قومی

بین میزان انسجام اجتماعی دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد و میزان گرایش آنان به هویت قومی رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول (۴) ملاحظه می شود همبستگی بین انسجام اجتماعی و گرایش به هویت قومی برابر با $r = 0/239$ با سطح معنی داری $p = 0/001$ بدست آمده است که نتیجه می شود ارتباط بین این دو متغیر معنی داری است زیرا سطح معنی داری از $0/05$ کمتر است و نیز رابطه مستقیم می باشد. در نتیجه فرض تحقیق قبول می شود.

جدول (۴): همبستگی بین میزان انسجام اجتماعی و گرایش به هویت قومی

متغیر	گرایش به هویت قومی
انسجام اجتماعی	$r = ۰/۲۳۹$ $p = ۰/۰۰۱$ $n = ۳۵۶$

۳- مقایسه میزان گرایش به هویت قومی بر اساس پایگاه اجتماعی

میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد برحسب پایگاه اجتماعی دانشجویان متفاوت است.

از آنجا که گرایش به هویت قومی به صورت کمی و پایگاه اجتماعی به صورت کیفی چندحالتی سنجیده شده است، بنابراین از آزمون تحلیل واریانس استفاده نمودیم. بر اساس اطلاعات جدول (۵) مشاهده می شود که متوسط نمره گرایش به هویت قومی فردیکه در پایگاه اجتماعی پایین قرار دارند، برابر $۶۴/۸۴$ با انحراف استاندارد $۱۰/۳۴$ ، در پایگاه اجتماعی متوسط برابر $۵۹/۳۳$ با انحراف استاندارد $۱۸/۵۳$ و در پایگاه بالا برابر $۵۴/۴۸$ با انحراف استاندارد $۱۰/۵۶$ بدست آمده است که طبق معیار $F = ۲۲/۶۷۴$ و $p = ۰/۰۰۱$ نتیجه می شود میزان گرایش به هویت قومی بر اساس پایگاه اجتماعی متفاوت است و این تفاوت معنی دار است زیرا سطح معنی داری از $۰/۰۵$ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول می شود.

جدول (۵): مقایسه میزان گرایش به هویت قومی بر اساس پایگاه اجتماعی

متغیر	پایگاه اجتماعی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون F	درجه آزادی	سطح معنی داری
میزان گرایش به هویت قومی	پایین	۹۹	۶۴/۸۴	۱۰/۳۴	۲۲/۶۷۴	۲	۰/۰۰۱
	متوسط	۲۰۵	۵۹/۳۳	۱۸/۵۳			
	بالا	۵۲	۵۴/۴۸	۱۰/۵۶			
	جمع	۳۵۶	۶۰/۱۵	۹/۹۳			

۴- همبستگی بین سطح عضویت در شبکه های اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی

بین سطح عضویت دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد در شبکه های اجتماعی و میزان گرایش آنان به هویت قومی رابطه وجود دارد.

بر اساس اطلاعات جدول (۶)، زیر همبستگی بین سطح عضویت در شبکه های اجتماعی و گرایش به هویت قومی برابر با $r = ۰/۱۵۰$ با سطح معنی داری $p = ۰/۰۰۱$ بدست آمده است که چون سطح معنی داری از $۰/۰۵$ کمتر است، نتیجه می شود همبستگی بین این دو متغیر معنی داری است و نیز رابطه مستقیم می باشد. در نتیجه فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود.

جدول (۶): همبستگی بین سطح عضویت در شبکه های اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی

متغیر	گرایش به هویت قومی
سطح عضویت در شبکه های اجتماعی	$r = ۰/۱۵۰$ $p = ۰/۰۰۱$ $n = ۳۵۶$

۵- همبستگی بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی

بین میزان استفاده دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد از رسانه های جمعی و میزان گرایش آنان به هویت قومی رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول (۷)، همبستگی بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی برابر با $r=0.017$ با $I=$ سطح معنی داری $p=0.756$ بدست آمده است، بنابراین، رابطه بین این دو متغیر معنی داری نیست زیرا سطح معنی داری از 0.05 بیشتر است فلذا فرض تحقیق رد می شود.

جدول (۷): همبستگی بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی

متغیر	گرایش به هویت قومی
میزان استفاده از رسانه های جمعی	$r=0.017$ $p=0.756$ $n=356$

۶- همبستگی بین میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی

بین میزان احساس تبعیض دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد و میزان گرایش آنان به هویت قومی رابطه وجود دارد. براساس اطلاعات جدول (۸) همبستگی بین میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی برابر با $r=-0.199$ با $I=$ سطح معنی داری $p=0.001$ بدست آمده است. بنابراین، می توان ادعا کرد رابطه بین احساس تبعیض و گرایش به هویت قومی معنی داری است زیرا سطح معنی داری از 0.05 کمتر است و نیز رابطه معکوس می باشد، یعنی هر چه میزان احساس تبعیض بالا باشد، میزان گرایش به هویت قومی کاهش خواهد یافت. بنابراین فرض تحقیق قبول می شود.

جدول (۸): همبستگی بین میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی

متغیر	گرایش به هویت قومی
احساس تبعیض	$r=-0.199$ $p=0.001$ $n=356$

۷- مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس جنسیت

میزان گرایش دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد به هویت قومی بر حسب جنسیت آنان متفاوت است. از آنجا که گرایش به هویت قومی به صورت کمی و جنسیت به صورت کیفی دو حالت سنجدیده شده است، بنابراین از آزمون T مستقل استفاده نمودیم. بر اساس اطلاعات جدول (۹) ملاحظه کردیم میانگین نمره گرایش به هویت قومی در زن ها برابر $58/60$ با انحراف استاندارد $8/82$ ، در مردها برابر $61/19$ با انحراف استاندارد $10/53$ بدست آمده است که با توجه به برابر بودن واریانس ها طبق آزمون Leven مقدار t برابر $|2/420|$ و با سطح معنی داری $p=0.016$ نتیجه می شود اختلاف نمره

های گرایش به هویت قومی براساس جنسیت معنی دار است زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول می شود.

جدول (۹): مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس جنسیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
میزان گرایش به هویت قومی	زن	۵۸/۶۰	۸/۸۲	-۲/۴۲۰	۳۵۳	۰/۰۱۶
	مرد	۶۱/۱۹	۱۰/۵۳			

۸- مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس وضعیت تأهل

میزان گرایش دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد به هویت قومی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است. بر اساس اطلاعات جدول (۱۰)، ملاحظه می شود میانگین گرایش به هویت قومی افراد مجرد برابر ۶۰/۳۵ با انحراف استاندارد ۹/۹۴ و افراد متأهل برابر ۵۹/۱۴ با انحراف استاندارد ۹/۸۵ بدست آمده است که با توجه به برابر بودن واریانس ها طبق آزمون Leven مقدار t برابر $t = |۰/۹۶۰|$ و با سطح معنی داری $p = ۰/۳۳۸$ بدست آمده است که نتیجه می شود اختلاف نمره های گرایش به هویت قومی براساس وضعیت تأهل معنی دار نیست، زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین فرض تحقیق رد می شود.

جدول (۱۰): مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس وضعیت تأهل

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
گرایش به هویت قومی	مجرد	۶۰/۳۵	۹/۹۴	-۰/۹۶۰	۳۵۱	۰/۳۳۸
	متأهل	۵۹/۱۴	۹/۸۵			

۹- مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس رشته تحصیلی

میزان گرایش دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد به هویت قومی بر حسب رشته تحصیلی آنان متفاوت است. بر اساس اطلاعات جدول (۱۱)، متوسط نمره گرایش به هویت قومی افرادی که رشته تحصیلی آنها فنی و مهندسی می باشد برابر ۶۱/۵۱ با انحراف استاندارد ۱۰/۵۷ و رشته کشاورزی برابر ۵۸/۸۸ با انحراف استاندارد ۱۲/۲۱، رشته علوم پایه برابر ۵۹/۳۷ با انحراف استاندارد ۱۱/۸۳، رشته علوم انسانی برابر ۵۹/۸۲ با انحراف استاندارد ۷/۶۲ و در رشته های زیر گروه پزشکی برابر ۵۸/۱۴ با انحراف استاندارد ۹/۷۴ بدست آمده است که طبق معیار $F = ۱/۰۹۸$ و با سطح معنی داری $P = ۰/۳۵۷$ نتیجه می شود اختلاف نمره های گرایش به هویت قومی براساس رشته تحصیلی معنی دار نیست زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین فرض تحقیق رد می شود.

جدول (۱۱): مقایسه میزان گرایش به هویت قومی براساس رشته تحصیلی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون F	درجه آزادی	سطح معنی داری
میزان گرایش به هویت قومی	فنی و مهندسی	۶۱/۵۱	۱۰/۵۷	۱/۰۹۸	۴	۰/۳۵۷
	کشاورزی	۵۸/۸۸	۱۲/۲۱			
	علوم پایه	۵۹/۳۷	۱۱/۸۳			
	علوم انسانی	۵۹/۸۲	۷/۶۲			
	زیر گروه پزشکی	۵۸/۱۴	۹/۷۴			
	جمع	۶۰/۱۱	۹/۹۳			

نتیجه گیری

- ۱- وجود رابطه معنی دار و مستقیم بین میزان دینداری و میزان گرایش به هویت قومی نشان می‌دهد که تعلقات دینی در ساخت هر نوع هویت مطرح است. این امر بویژه در جوامع در حال گذار مقدار بیشتری از ارتباط مؤثر را نشان می‌دهد. شعائر، آیینها، مناسک و اصول آن در هویت بخشی به افراد، جهان بینی و نوع نگاه آنها نقش مهمی بعهدہ دارد.
- ۲- در فرضیه دوم وجود رابطه معنی دار و مستقیم بین میزان انسجام اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی بخاطر مشارکت افراد در اجتماع محلی، مشارکت گروهی و اعتماد به سایر افراد و هموعان و سرمایه های اجتماعی درون گروهی، نقشی تعیین کننده در گرایش افراد به هویت قومی ایفا می‌کند.
- ۳- متفاوت بودن میزان گرایش به هویت قومی بر اساس پایگاه اجتماعی و اینکه افراد طبقات پایین میزان بیشتری از تعلقات و گرایش به هویت قومی را نشان میدهند، مبین این نکته است که افراد طبقات پایین احساس خود اثر بخشی پایینی را نشان می‌دهند. پایین بودن توان اقتصادی، امکان در اختیار داشتن ابزارهای ارتقاء آگاهی و تمایل به مشارکت بالا را کاهش می‌دهد.
- ۴- وجود رابطه معنی دار و مستقیم بین سطح عضویت در شبکه های اجتماعی و میزان گرایش به هویت قومی بیانگر این نکته است که هویت اجتماعی یا فردی امری یک جانبه نیست بلکه محصول دیالکتیک درونی و بیرونی است. بنا به نظر تاجفیل هویت افراد از عضویت آنها در گروههای خاص توجیه می‌شود و افراد این گروهها و شبکه اجتماعی خود را برتر از سایر گروهها می‌شمارند، هویت خود را بعنوان چیزی که درون یک گروه جاسازی شده است می‌بینند و اساسا خود را با مشخصه های اجتماعی مقوله بندی می‌کند.
- ۵- در مورد عدم وجود رابطه معنی دار بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و میزان گرایش به هویت قومی می‌توان گفت که اکثر رسانه های جمعی موجود اعم از صوتی، تصویری و نوشتاری در اختیار کسانی است که با استفاده از آنها بیشتر هویت مذهبی با قرائتی خاص و ایرانی بودن را تبلیغ می‌کنند و توجه چندانی به حیات و هویت فرهنگی اقوام ندارند.
- ۶- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان احساس تبعیض و میزان گرایش به هویت قومی رابطه معنی دار وجود دارد. تد رابرت گر یک طبقه بندی سه وجهی را که شامل ارزش های رفاهی، ارزش های مربوط به قدرت و ارزش های بین شخصی را مطرح می‌کند که می‌توان آنها را تحت عنوان اقتصاد، سیاست و فرهنگ نام برد. وی معتقد است که محرومیت در آنها میزان گرایش به هویت قومی را تحریک و شکاف قومی را شدت می‌بخشد. از طرف دیگر رابطه معکوس این دو متغیر میتواند بیانگر این امر باشد که افزایش میزان تبعیض باعث افزایش از خود بیگانگی افراد گروه قومی تحت فشار نسبت به محیط و اجتماع می‌شود. به خطر افتادن هستی اجتماعی و منافع مادی که به دلیل تعلقات هویتی صورت می‌گیرد، بستر استتار علائق قومی را به نفع تلاش برای دستیابی به برخورداری بیشتر مادی که ضرورت بنیادی تر حیات انسانی است، فراهم می‌کند.
- ۷- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان گرایش به هویت قومی بر حسب جنسیت دانشجویان متفاوت است و مردان گرایش بیشتری به هویت قومی نشان می‌دهند. می‌دانیم که جنسیت از هویت هایی است که در اوان حیات تثبیت می‌شود و استحکام بیشتری از دیگر هویت ها نشان می‌دهد. فرهنگ مرد سالار جامعه و مسئولیت بیشتر مردان در اداره امور زندگی و تعاملات و برخوردهای بیشتر اجتماعی و برون گروهی، شناخت بیشتری از وضعیت قومی را فراهم کرده، موجبات تعصب و گرایش بیشتر به هویت قومی را فراهم می‌سازد.

۸- این تحقیق تفاوت معنی داری نسبت به گرایش به هویت قومی بر حسب وضعیت تأهل و رشته تحصیلی دانشجویان نشان نمی دهد. بنابراین نگاه به هویت قومی در منطقه بگونه ای است که فراتر از تأثیر پذیری از چنین عواملی باشد. در این تحقیق سعی شد ارتباط بعضی عوامل اجتماعی را با گرایش به هویت قومی در جامعه مورد اشاره روشن نماییم. نتایج بدست آمده در مورد بیشتر فرضیات همسو با تحقیقات پیشین انجام شده در این زمینه است تلاش هایی از این دست ضمن اینکه بخشی از واقعیات مرتبط با وضعیت فرهنگی اقوام را توضیح می دهد، در ذیل تبیین حقوق انسان نوعی نیز قرار دارد. توجه جدی به نتایج چنین پژوهش هایی تعدیل فضای قطبی جوامع چند قومیتی را به دنبال خواهد داشت.

منابع

- ۱- اسمیت، (۱۳۷۷)، *منابع قومی ناسیونالیسم*، در فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره اول.
- ۲- احمدی، ح.، (۱۳۸۳)، *ایران (هویت، ملیت، قومیت)*، تهران: نشر نی.
- ۳- الطایی، ع.، (۱۳۷۸)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان
- ۴- تقی لو، ف.، (۱۳۸۶)، *تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی (بررسی موردی ایران)*، فصلنامه مطالعات راهبردی سال دهم شماره ۳۵.
- ۵- ریتز، ج.، (۱۳۸۳)، *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۶- جنکینز، ر.، (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- ۷- جی دان، ر.، (۱۳۸۵)، *نقد اجتماعی پست مدرنیته*، ترجمه: صالح نجفی، تهران: موسسه جهان کتاب
- ۸- کاستلز، ا.، (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات / قدرت هویت*، ترجمه: حسن جاووشیان، تهران: نشر طرح نو.
- ۹- گودرزی، ح.، (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی*، تهران: انتشارات تمدن ایران.
- ۱۰- گیدنز، آ.، (۱۳۷۷)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۱- گیدنز، آ.، (۱۳۸۸)، *تجدد و شخص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- ۱۲- ریشه، م.، (۱۳۸۰)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور و ثوقی، تهران: نشر نی
- ۱۳- مقصودی، م.، (۱۳۷۷)، *توسعه و منازعات قومی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.

۱۴- Smith, Anthony. (۲۰۰۱). Nationalism. Polity Press.

۱۵- Smith, Anthony. (۱۹۹۱). National Identity. Penguin, London.